دریچه

نمایشگاه گروهی عکس «چندروزی در میان» به یاد عباس کیارستمی

● **گروه هنر:** نمایشگاه گروهی عکس «چندروزی در میان» به یاد عباس کیارستمی و با ۷۹ عکس از ۷۹ هنرمند ایرانی به کوشش پرهام دیده‌ور، جمعه، ۳۱ خرداد، در مرکز نبشی افتتاح شد. در هفتادونهمین سالگرد زادروز عباس کیارستمی، نمایشگاه «چندروزی در میان» بهانه‌ای شد تا در مقام پاسداشت و احترام، ۷۹ هنرمند، هر یک به بیان و نگاه خویش، روایتی از زندگی را ثبت و در میان قاب‌هایی یکسان به او تقدیم کنند.در این نمایشگاه آثاری از صابر ابر، کوروش ادیم، آرمان استپانیان، فیروزه اطهاری، مهرداد افسری، شهرزاد اکرمی، الناز امینی، مهرداد امینی، بهروز بادروج، مجید برزگر، جعفر پناهی، امید پورآذر، حمید جانی‌پور، بهمن جلالی، رعنا جوادی، بابک حقی، ابراهیم حقیقی، اوژن حقیقی، آرش خاموشی، حامد خسروی، مهدی خندان، مرضیه خورسند، نادر داوودی، سعید دستوری، وحید دشتیاری، علی دقیق، پرهام دیده‌ور، فرزانه رادمهر، محسن راستانی، سعید رضوانیان، جاوید رمضانی، زروان روح‌بخشان، روزبه روزبهانی، مریم زندی، جلال سپهر، مجید سعیدی، آئین شاهرودی، افشین شاهرودی، تهمینه شرافت، علی شکری، جلال شمس‌آذران، سیوا شهباز، کامران شیردل، بهنام صدیقی، پویان طباطبایی، نازلی عباس‌پور، کیارنگ علائی، جاسم غضبانپور، حسن غفاری، علیرضا فانی، محمد فرنود، قاسم فتحی، شادی قدیریان، صمد قربانزاده، بابک کاظمی، کاوه کاظمی، محمود کشفی‌پور، کوهیار کلاری، محمود کلاری، رضا کیانیان، کاوه گلستان، هنگامه گلستان، مهران مافی‌بردبار، رومین محتشم، بهاره محمدیان، سحر مختاری، مهدی مقیم‌نژاد، تهمینه منزوی، مهدی منعم، ساسان مؤیدی، نازنین میرزابیکی‌فینی، سروش میلانی‌زاده، مهدی ناظری، حسین نظری، مصطفی نوده، محمودرضا نوربخش، مرتضی نیک‌نهاد، مهدی وثوق‌نیا و آلفرد یعقوب‌زاده به نمایش درآمده است.در بخشی از استیتمنت این نمایشگاه نوشته شده: «عباس کیارستمی هویتی دوباره بخشید به نادیده‌های ناب ازقلم‌افتاده؛ به راه‌های بی‌مقصد و عاشقانه‌های در پس عاشقانه‌ها، و روایتی از نو رقم زد، بر قصه‌های تمام و ناتمام و به ایهام هنر آغشته، که گاه در پشت درهای بسته فراموش می‌شوند؛ چون سایه درختی که بر روی برف به چرخش زمین محو می‌شود و برفی که به گرمای خورشید ذوب».نمایشگاه «چندروزی در میان» تا ۲۸ تیر در مرکز نبشی به نشانی خیابان ویلا، نبش کوچه خسرو، پلاک ۵۱ برپاست.

عصری با کامران شیردل در کانون حقیقت

● به بهانه هشتادمین سالروز تولد استاد کامران شیردل، برنامه این هفته کانون فیلم «سینماحقیقت» مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به نمایش آثار منتخب و نشست با این مستندساز پیش‌کسوت سینمای ایران اختصاص یافته است.این برنامه با نمایش ۹ فیلم منتخب «کامران شیردل» در دو سئانس ۱۶ و ۱۷:۳۰ در سالن سینماحقیقت این «مرکز» آغاز شده است و سپس نشستی با حضور این مستندساز صاحب‌سبک و خسرو دهقان (منتقد سینما) برگزار خواهد شد.فیلم‌هایی که در این برنامه به نمایش گذاشته می‌شوند، عبارت‌اند از:سئانس اول (ساعت ۱۶): آینه‌ها، بوم سیمین، ندامتگاه، تهران پایتخت ایران است و قلعه‌سئانس دوم (ساعت ۱۷:۳۰): اون شب که بارون اومد، پیکان، دبی و تنهایی اول.ساعت ۱۹: نشست با کامران شیردل، خسرو دهقان و ناصر صفاریان.عموم علاقه‌مندان برای تماشای این فیلم‌ها و شرکت در برنامه نشست با استاد کامران شیردل می‌توانند از ساعت ۱۶ عصر فردا دوشنبه (سوم‌تیرماه) به کانون فیلم «سینماحقیقت» واقع در خیابان سهروردی شمالی، میدان شهید قندی، شماره ۱۵، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مراجعه کنند.شرکت در این برنامه برای عموم آزاد است.

«خانه» نغمه ثمینی در «دیوار چهارم»

● نمایش «خانه» از شنبه، یکم تیر، در تماشاخانه دیوار چهارم روی صحنه رفت.این نمایش به نویسندگی نغمه ثمینی و کارگردانی ساغر اسماعیلی، از یکم تیرماه ساعت ۱۹:۰۰ در تماشاخانه دیوار چهارم روی صحنه است.در این اثر نمایشی محمد کمالی‌نژاد، امیرحسین بختیاری، آنیتا فرج‌زاده، هانیه رحیمی، علی جمالی، ساغر اسماعیلی و امیررضا سعادتی به ایفای نقش می‌پردازند.از دیگر عوامل نمایش خانه می‌توان به مدیر تولید و دستیار اول کارگردان: پوریا اصغرزاده، دستیار دوم کارگردان: سارینا میلانی، منشی صحنه: مهراد محتشمی، طراح نور: علی تهرانی، اجرای نور: پیمان گودرزی، مدیر صحنه: مهراد محتشمی، دستیار صحنه: پیمان گودرزی، طراح لباس: هدیه ولی‌اسکویی و ساغر اسماعیلی، طراح صحنه: علی تهرانی، در خلاصه داستان این نمایش آمده است: خانه روایتگر خانواده‌ایست که علی‌رغم زندگی زیر یک سقف فرسنگ‌ها از یکدیگر دورند... .

از انحلال هیئت‌مدیره کانون کارگردانان خانه تئاتر تا نیمه تیر

بیایید گفت‌وگو کنیم

گروه هنر: کانون کارگردانان خانه تئاتر با رأی هیئت‌مدیره‌اش منحل شد و در نیمه تیر با حضور اعضا دوباره انتخاباتی زودهنگام شکل می‌گیرد؛ اما همچنان درباره این انحلال چندوچونی میان اعضای کانون کارگردانان وجود دارد و هریک به‌نوعی دیگران را مسبب این انحلال می‌داند یا اینکه به دنبال ارائه دلایلی هستند که نتیجه‌اش بشود یک هیئت‌مدیره کارآمد که آماده رسیدگی به امور صنفی کارگردانان باشند.

مریم معترف، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره منحل‌شده کانون کارگردانان تئاتر، تصریح کرد کسانی که کاندیدای حضور در هیئت‌مدیره می‌شوند، باید برای امور کانون وقت بگذارند و برای رأی اکثریت احترام قائل شوند.

مریم معترف: احترام به رأی اکثریت

مریم معترف، نایب‌رئیس این هیئت‌مدیره، در یادداشتی درباره اظهارنظر رسانه‌ای یکی از اعضای هیئت‌مدیره منحل‌شده، توضیحاتی را ارائه داد.در این یادداشت آمده است:پس از انحلال هیئت‌مدیره کانون کارگردانان خانه تئاتر، تصمیم بر آن شد که مشکلات درون‌گروهی در جلسه انتخابات با اعضای کانون در میان گذاشته شود؛ ولی گویا یکی از اعضا با انتخاب روش دیگری و در یک مصاحبه رسانه‌ای مطالبی خلاف واقع را مطرح کرد که من نه در جواب او؛ بلکه برای روشن‌شدن قضایا طرح چند نکته را ضروری می‌دانم.با رأی اکثریت تصمیم بر انحلال هیئت‌مدیره گرفته شد، به امید آنکه منتخبان بعدی هنر بحث و گفت‌وگو را بشناسند و به جای قهرکردن، به رأی اکثریت احترام بگذارند؛ شاید همه بدانند که کاندیداشدن برای حضور در هیئت‌رئیسه یک انجمن شرایط و ضوابطی را می‌طلبد که باید آنها را رعایت کرد. به طور مثال باید وقت لازم برای حضور در جلسات را داشت و از اینکه برای این کار وقت می‌گذارند، منتی بر سر کسی ندارند.باید فعالانه در جلسات شرکت کنند و وظایفی را که هیئت‌مدیره برعهده آنها می‌گذارد؛ به‌خوبی انجام دهند و روند پیشرفت کار را به ریاست هیئت‌مدیره و سایر اعضا گزارش دهند.بدون اطلاع رئیس هیئت‌مدیره درباره مسائل درون‌گروهی مصاحبه نکنند، در راستای حفظ منافع انجمن و اعضای آن کوشا باشند و از همه مهم‌تر آگاه باشند که تصمیمات هیئت‌مدیره پس از رایزنی و مشورت اعضای حاضر در جلسه با رأی اکثریت تصویب می‌شود و پس از رأی‌گیری نهایی، عضوی حق اعتراض ندارد و باید به تصمیم گرفته‌شده از طرف اکثریت، احترام بگذارد و آن را لازم‌الاجرا بداند. ازآنجاکه در هیئت‌مدیره اخیر کانون این موارد رعایت نمی‌شد و بیشتر اوقات گفت‌وگوهای بی‌نتیجه، وقت جلسات را می‌گرفت و تصمیم‌گیری‌های جمعی اکثریت، با مخالفت‌های اقلیت روبه‌رو می‌شد، با رأی اکثریت تصمیم بر انحلال هیئت‌مدیره گرفته شد، به امید آنکه منتخبان بعدی هنر بحث و گفت‌وگو را بشناسند و به جای قهرکردن، به رأی اکثریت احترام بگذارند تا کارها به‌خوبی پیش برود و هیئت‌مدیره بتواند مأموریتی را که اعضا برعهده آنها گذاشته‌اند، به نحو احسن انجام دهد. به امید روزهای بهتر برای کانون کارگردانان خانه تئاتر.

مسعود موسوی: نبودن وزنه‌های سنگین

مسعود موسوی، مدرس و کارگردان تئاتر و از اعضای هیئت‌مدیره کانون کارگردانان خانه تئاتر که به‌تازگی با تأیید اعضا، منحل شده است، درباره جزئیات این اتفاق به مهر گفت: این پنجمین دوره‌ای بود که من جزء هیئت‌مدیره کانون کارگردانان خانه تئاتر بودم؛ اما در این دوره تصمیم جمعی بر این شد که هیئت‌مدیره منحل شود و با انتخاباتی زودتر از موعد هیئت‌مدیره‌ای همسوتر انتخاب شوند و آغازبه‌کار کنند.او ادامه داد: در مواردی که قصد دارم بیان کنم، اصلا شخص خاصی مدنظرم نیست و اینکه گروه اعضای هیئت‌مدیره به این نتیجه رسیده‌اند که استعفای دسته‌جمعی بدهند، نشان‌دهنده وجود دموکراسی در گروه است؛ چون مجبور نبودند یکدیگر را تحمل کنند و به این نتیجه رسیدند که با آمدن اشخاص جدید شاید اتفاقات بهتری رخ دهد؛ بنابراین من از این منظر به این اتفاق نگاه می‌کنم که انحلال کانون کارگردانان اتفاق بدی نبوده است.این کارگردان درباره اتفاقاتی که منجر به انحلال این دوره از کانون کارگردانان شده است، توضیح داد: این پنجمین دوره حضور من در کانون کارگردانان خانه تئاتر بود؛ اما این سؤال پیش می‌آید که چرا در چهار دوره قبل این مشکلات پیش نیامد.همین امر نشان‌دهنده این است که ما با مشکلاتی در کانون کارگردانان روبه‌رو بودیم که در دوره‌های قبل وجود نداشته است و البته باز هم تأکید می‌کنم که منظورم فرد خاصی نیست. یکی از مسائلی که دوره‌های پیشین وجود داشت و باعث شده بود ما با مشکلات این‌چنینی روبه‌رو نباشیم، حضور وزنه‌های پیش‌کسوت تئاتر در چهار دوره قبلی بود. می‌توانم از میان این نام‌ها به سهراب سلیمی اشاره کنم که در تمام این سال‌ها اگر هم مسئله‌ای پیش می‌آمد سریعا در راستای اهداف انجمن آن را حل‌وفصل می‌کرد و هیئت‌مدیره به کارش ادامه می‌داد.اگر قرار باشد ما با مسائل تئاتری روز ایران فاصله داشته باشیم و مشکلات کارگردانان تئاتر را نشناسیم پس به‌روز نیستیم و نمی‌توانیم هیچ کمکی به اعضا بکنیم پس همان بهتر که منحل شویم. موسوی تأکید کرد: آقای سلیمی اخیرا استعفا نداده و از چندین ماه قبل از حضور در جلسات هیئت‌مدیره کناره‌گیری کرده بود و اعلام کرد که دیگر نمی‌تواند ادامه دهد. از نظر من کانون کارگردانان خانه تئاتر برای ادامه فعالیتش باید چند ویژگی داشته باشد که در غیر این صورت حضورنداشتنش بهتر از ادامه فعالیتش است. اولین ویژگی کانون کارگردانان داشتن جسارت است و اگر قرار باشد ما با مسائل تئاتری روز ایران فاصله داشته باشیم و مشکلات کارگردانان تئاتر را نشناسیم پس به‌روز نیستیم و نمی‌توانیم هیچ کمکی به اعضا بکنیم پس همان بهتر که منحل شویم. او افزود: دومین مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد وجود شجاعت و جسارت است. کانون کارگردانان باید از جریان روزمره تئاتر و جریان‌های دولتی که مانع از رشد انجمن‌هایی این‌چنینی می‌شوند، جدا شود و نه‌تنها سبقت بگیرد بلکه آنها را هم در راستایی که به درد انجمن بخورند، هدایت کند نه اینکه خودش در راستای اهداف آنها جلو برود و جرئت پیشرفت نداشته باشد.این کارگردان تئاتر تأکید کرد: وقتی ما به جای پیشرفت، پسرفت داشته باشیم، فعالیتمان به مرگ تدریجی می‌انجامد. سومین مسئله این است که کانون کارگردانان به درد اعضا بخورد. زمانی که اعضا، هیئت‌مدیره‌ای را انتخاب می‌کنند انتظار دارند که به دردشان بخورد. من قبلا هم اعلام کرده‌ام که بیش از ۹۰ درصد اعضای کانون کارگردانان خانه تئاتر در طول سال حتی یک اجرا هم نصیبشان نمی‌شود چون یا تماشاخانه‌های خصوصی گران است یا تماشاخانه‌های دولتی دچار باندبازی شده‌اند که این مسئله یکی از معضلاتی بود که باید در هیئت‌مدیره به آن پرداخته می‌شد که هیچ‌گاه این اتفاق نیفتاد.

سهراب سلیمی: پله نمی‌شوم

سهراب سلیمی، کارگردان تئاتر و از اعضای باسابقه خانه تئاتر، درباره دلایل کناره‌گیری خود از حضور در هیئت‌مدیره انجمن کارگردانان این خانه، به مهر گفت: حدود یک سال است که در هیچ‌کدام از هیئت‌مدیره‌های خانه تئاتر از جمله هیئت‌مدیره انجمن کارگردانان عضو نیستم زیرا به این باور رسیدم که افراد فقط می‌خواهند خود را مطرح کنند و از این رو به جای عمل، شعار می‌دهند.او تأکید کرد: یک عمر به‌زعم خودم صادقانه کار کردم و این عملکرد را جزء وظایف صنفی، اخلاقی و کاری خود می‌دانم ولی افراد برای صعود خود پله می‌خواهند و من پله کسی نمی‌شوم. از یک‌سال پیش کاملا دورنمای این روند خانه تئاتر را می‌دیدم.سلیمی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: همه شعار می‌دهند که می‌خواهیم خانه تئاتر را از انزوا و از دست کهنه‌پرستان دربیاوریم. با شعار نمی‌توان این کارها را انجام داد بلکه باید به دل کار وارد شد. اینکه اشتباهات و انجام‌نشدن کارها را به گردن دیگری بیندازیم درست نیست، اینکه دیالوگ برقرار نشود و هر کسی بگوید آن چیزی که من می‌گویم درست است، روند نامناسبی است. این هنرمند تئاتر با بیان اینکه از حرکت‌های شعاری خسته شدم، اظهار کرد: باید از کسی که شعارهای گنده‌گنده می‌دهد، ترسید. اینکه گفته می‌شود خانه تئاتر را متحول می‌کنیم شعار بزرگی است زیرا باید ببینیم در درجه اول می‌توانیم با خودمان به گفتمان برسیم. در حرف همه می‌توانیم ادعاهای بزرگ داشته باشیم ولی در عمل باید دید که قادر به انجام چه کاری هستیم.او در پایان سخنان خود یادآور شد: ۱۱ سال عمر خود را برای ساخت‌وساز عمارت جدید خانه تئاتر گذاشتم.

محمدرضا اصلانی: آثار علی باقری به اعتبار سینما توجه دارد

گروه هنر: نشست «نقد و بررسی پوسترهای سینمای ایران؛ با نگاهی به آثار علی باقری» با حضور قباد شیوا، محمدرضا اصلانی، مهرداد اسکویی و علی باقری در گالری «پاییز» خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در این نشست که اجرای آن را مهسا ملک‌مرزبان برعهده داشت، قباد شیوا گفت: «متأسفانه ما به یک‌سری پوسترهای سینمایی مزخرف عادت کرده‌ایم که روی آن تصاویر یک‌سری بازیگر بزرگ‌نمایی شده‌اند و این پوسترها چیزی از نظر بصری ندارند که به مخاطب بدهند».به گفته شیوا، در پوسترهای سینمایی علی باقری شاهد حضور پررنگ و تأثیرگذار طراحی و نقاشی هستیم و ایده‌ها نیز بسیار خوب در این آثار اجرا شده‌اند. او افزود: «پوسترهای علی باقری انرژی بسیار خوبی دارند و سوژه فیلم به‌خوبی در آن دیده می‌شود. ساختن چنین پوستری از عهده هر گرافیستی برنمی‌آید. کسی می‌تواند چنین پوسترهایی را طراحی کند که طراح خوبی باشد. وقتی پوسترهای علی باقری را می‌بینید، به‌خوبی متوجه می‌شوید با یک طراح گرافیک اندیشمند روبه‌رو هستید و او با نگاه خاص خودش ما را به دنیای فیلم دعوت می‌کند؛ نه به شیوه‌ای که امروزه در طراحی پوستر سینمایی به تعبیری مد شده است. من با اینکه با این جنس از سینما فاصله دارم؛ اما کارهای علی باقری را دنبال می‌کنم و پوسترهای او را دوست دارم».قباد شیوا متذکر شد: «اما مخاطب بیشتر این آثار، خارج از کشور است. چرا چنین پوسترهای زیبایی نباید در شهرهای خود ما حضور داشته باشند؟ این یک معضل در سینمای ایران است که کارهای تبلیغاتی به دست افرادی بنجل افتاده است و اهالی سینما نیز نه‌تنها در برابر آنها نمی‌ایستند؛ بلکه از آنها استقبال هم می‌کنند. زشت‌ترین پوسترها در ایران، پوسترهای سینمایی است. چرا نباید چنین آثار زیبایی را در مملکت خودمان ببینیم؟ چون تهیه‌کننده تاجر است و به خاطر فروش بیشتر سراغ گرافیک بنجل می‌رود».محمدرضا اصلانی، کارگردان سینما، در ابتدا با بیان این مطلب که کلمه «پوستر» را قبول ندارد و ترجیح می‌دهد به جای پوستر از واژه« آفیش» استفاده کند، گفت: «آثار علی باقری از سینمای ایران جلوتر است؛ هرچند من با تولیدات فعلی سینمای ایران ارتباط برقرار نمی‌کنم؛ چون تولید این سینما «فیلم» نیست؛ بلکه «محصول» است. وجود چنین سینمایی به افرادی مانند من برمی‌خورد».او با اشاره به سنت اعلان‌سازی در ایران که پیشینه دیرینه‌ای دارد، گفت: «پوستر یک کلمه آمریکایی است و در پوستر از عکس استفاده می‌کنند؛ اما آفیش به طراحی وابسته است. براساس‌این اعلان‌سازی در ایران به دوره قاجاریه بازمی‌گردد. در این مسیر چند اثر درخشان از مرتضی ممیز، چند اثر خوب از ابراهیم حقیقی و قباد شیوا داریم که طراحی‌محور هستند. اما متأسفانه آن چیزی که بر سردرِ سینماها نقاشی می‌شد و شامل پرتره بزرگ‌نمایی‌شده شخصیت‌های فیلم بود، به آفیش‌های سینمایی راه پیدا کردند و پرتره شخصیت‌های فیلم تبدیل به نوعی بت شدند».اصلانی توضیح داد: «این بت‌سازی و بزرگ‌نمایی چهره‌ها امروزه در کشور ما نه‌تنها در عرصه سینما، بلکه در عرصه های دیگر نیز مد شده و اگر نگاهی گذرا به سطح شهر بیندازیم، با این تصاویر بارها روبه‌رو می‌شویم. چهره‌هایی بزک‌شده که امر تجاری و تبلیغات به‌عنوان یک کالا را به جامعه تحمیل می‌کنند و همین چهره‌های بزک‌شده موجب شده‌اند که تحمیل چهره‌ها به جامعه پذیرفته شود. این فقط عمل تجاری نیست؛ بلکه عمل سیاسی نیز به شمار می‌رود».او ادامه داد: «مجموعه آثار علی باقری یک‌تنه در برابر این ابتذال ایستاده است و رویکرد او نه‌تنها یک حرکت فرهنگی و هنری؛ بلکه یک حرکت اجتماعی مهم به شمار می‌رود. پوسترهای علی باقری بیشتر روحیه نقاشانه دارند تا روحیه گرافیکی. این آثار به جای اینکه موضوع فیلم را طرح کنند، مفهوم فیلم را مطرح می‌کنند و طراحی مفهوم به‌هیچ‌وجه کار آسانی نیست. چنین رویکردی را در طراحی پوسترهای لهستانی شاهد هستیم و علی باقری نیز در طراحی پوستر چنین رویکردی را پیش گرفته است».اصلانی نیز اشاره کرد: «آنها ارزش سطح را به‌مثابه امر مفهومی در گرافیک و حتی در صنعت مطرح کردند؛ اینکه چگونه سطح‌ها مفهوم ایجاد می‌کنند، به‌جای اینکه به فیگورهایی تبدیل شوند که منظر را از چشم انسان حذف و نوعی بت را جایگزین تفکر کنند. این بت به معنای اشغال ذهن و حذف مفاهیم از ذهن است. سنت اروپای شرقی «مفهوم» را جایگزین موضوع می‌کند و این یک مبارزه است که امروزه در ایران نیز مسئله بنیادینی است و کارهای علی باقری در این مسیر پیش می‌رود».این کارگردان سینمای شاعرانه ادامه داد: «در اروپای مرکزی و شرقی گرافیک به سمت استقلال از متن و تبدیل‌شدن به یک اثر هنری مستقل حرکت کرد. در ایران هم افرادی مانند مرتضی ممیز و هوشنگ کاظمی و استادان دانشگاه‌های تزیینی چنین حرکتی را همگام با گرافیک جهان آغاز کردند. طراحی فرشید مثقالی در«ماهی سیاه کوچولو» یا طراحی مرتضی ممیز در «گیلگمش» و «کتاب هفته» در شمار این آثار جهانی قرار می‌گیرند؛ اما متأسفانه پس از انقلاب این رویکرد نادیده گرفته شد و گرافیک به سمت گرافیک روسی که در ۱۹۲۰ به این سو در این کشور رواج داشت، رفت. در این دوره پروپاگاندا جای مفاهیم، سطح، رنگ و خط را گرفت. امروزه در ایران نیز در پیوند با پروپاگاندا و تبلیغات، به‌ویژه با استفاده از ابزارهای نوین، آثاری تولید می‌شوند که خیال می‌کنند آفیش است؛ اما چیزی جز بازاری‌گری نیست».او افزود: «آفیش‌های علی باقری علاوه بر اینکه با مفهوم فیلم‌ها سروکار دارند و آنها را در کمپوزسیون خود مطرح می‌کنند، به فیلم‌ها ارزش فرهنگی بخشیده‌اند، نه ارزش تجاری و این قدم بسیار بزرگی است که توجه فیلم‌سازان را به هنربودنِ فیلم‌ها جلب می‌کند، نه اینکه صرفا درپی فروش باشند. با اینکه من این سینما را نمی‌بینم اما می‌دانم آفیش‌هایی که علی باقری برای این فیلم‌ها طراحی کرده‌اند، از خود فیلم‌ها خیلی بهتر هستند». او در ادامه با اشاره به فروش فیلم‌های تجاری در ایران گفت: «واقعیت این است که میزان فروش این فیلم‌ها در برابر میزان فروش فیلم‌های عادی هالیوود نیز ناچیز است و صرفا یک فروش بومی است و در سطح جهانی حضوری ندارد. این فیلم‌ها نه تنها ارز به کشور وارد نمی‌کند بلکه موجب خروج ارز ملی از کشور شده‌اند، بنابراین مایه افتخار نیز نیست. آفیش‌های علی باقری به اعتبار سینما توجه دارد و تلاشی است برای معتبرشدن و معتبرکردن سینمای ایران و این کار کمی نیست».او افزود: «چگونه می‌توانیم از پایگاه ملی و بومی جهش جهانی داشته باشیم، متأسفانه ما دیالوگی با جهان در حوزه فرهنگ و هنر، سیاست و اقتصاد نداریم و در چاله هوچی‌گری گیر افتاده‌ایم. باید این درد را چاره کنیم، چگونه می‌توانیم مکتبی در طراحی ایجاد کنیم که ربطی به این جریان نداشته باشد. برخلاف پوسترها که چهره‌ها را به ما تحمیل کرده‌اند در عرصه گرافیک اتفاقی برای ما افتاده که می‌خواهند ما را در جهان بی‌چهره کند. ما در گرافیک پیشینه بسیار دیرینه‌ای داریم؛ برای مثال، طراحی‌های کتاب «عجایب‌المخلوقات» یا سایر طراحی‌هایی که در کتاب‌های چاپ سنگی چاپ شده‌اند. این آثار امروزه از شاهکارهای مدرن دنیا نیز بسیار پیش‌روتر هستند». اصلانی ادامه داد: «متأسفانه تخیل از طراحی امروز ما حذف شده است، نه تنها در جامعه بلکه در صنعتمان نیز تخیل نداریم. با ما کاری کردند که قدرت فهم خلاقیت را نداریم و جای خلاقیت را دلالی گرفته است». مهرداد اسکویی، فیلم‌ساز مستند، نیز گفت: «اولین‌بار به‌عنوان تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «رؤیاهای دم صبح» با علی باقری دیدار کردم. با هم فیلم را تماشا کردیم و بعد او شروع کرد به پرسیدن سؤالاتی تا لایه‌های فیلم را از منظر خودش کشف کند. از من پرسید می‌خواهم چه چیزهایی در پوستر باشد و جالب‌تر آنکه چه چیزهایی را نمی‌خواهم. لایه‌سازی و توجه به زیرمتن‌ها، امر مهمی در سینماست؛ به‌ویژه در آثار سینماگرانی مانند محمدرضا اصلانی و خسرو سینایی که امروز اینجا حضور دارند. این لایه‌سازی در پوسترهای علی باقری نیز اتفاق می‌افتد. آثار او از یک منظر من را به مکتب ورشو وصل می‌کند و از سوی دیگر از مکتب نیویورک دور می‌کند. علی باقری با ایده‌پردازی مبتکرانه‌اش مخاطب را به وجد می‌آورد و او را به تفکر وا می‌دارد تا درگیر لایه‌های عمیق‌تر فیلم شود». اسکویی با اشاره به نمایش فیلم «رؤیاهای دم صبح» در جشنواره‌های بین‌المللی گفت: «پوستری که علی باقری برای این فیلم طراحی کرد در تمام جشنواره‌هایی که تاکنون فیلم به نمایش درآمد مورد اقبال قرار گرفت و این نشان‌دهنده توانمندی‌های او برای طراحی است که به‌سادگی از کنار یک پوستر فیلم نمی‌گذرد و تلاش می‌کند اثری خلق کند که در کنار فیلم به عنوان یک اثر هنری مستقل قابل اعتنا و حتی تمجید باشد».این کارگردان ادامه داد: «آمیزش مناسب نوشته‌ها و تصاویر و همین‌طور نوشتن حروف با طرح و نگاه جدید، از دیگر ویژگی‌های آثار علی باقری است. باقری عکاس است و عکس پایه اولیه کار اوست و به او کمک می‌کند ترکیب‌بندی‌های متفاوتی در پوسترهایش ارائه دهد. اگر به برش عکس‌ها در این آثار توجه کنیم، جسارت یک عکاس را به‌خوبی مشاهده خواهیم کرد؛ این جسارت در پوستر فیلم «آتلان» و «رؤیاهای دم صبح» کاملا هویداست. باقری در هر پوستر مسیر متفاوتی را برای به‌چالش‌کشیدن خود و تداوم مسیر بزرگانی مانند مرتضی ممیز، نورالدین زرین‌کلک، قباد شیوا، فرشید مثقالی طی می‌کند و به نوعی سهم بزرگی در تداوم سنتی که این گرافیست‌ها به‌وجود آوردند، دارد». اسکویی در پایان گفت: «پوسترهای علی باقری دروغ نمی‌گویند؛ با دیدن آنها احساس می‌کنید می‌توانید به هنرمند اعتماد کنید و کار را دوست داشته باشید. مجموعه آثار او نویدبخش شروع یک جریان در پوسترهای سینمایی ایران و تداوم آن در آثار دیگر هنرمندان است. امیدوارم این مسیر، تداوم راه چهره‌های برتر فرهنگ و هنر ایران در زمینه آفیش باشد».علی باقری گفت: «تمام پوسترهایی که من طراحی کرده‌ام سفارش‌دهنده داشته‌اند و برپایی این نمایشگاه با تشویق‌ها و تلاش‌های مهسا ملک‌مرزبان و زهرا پاشایی شکل گرفت. مجموعه این آثار بالغ بر ۷۰ نسخه است که قصد نمایش تمامی آنها را داشتیم، اما به‌دلیل محدودیت فضای گالری به همین تعداد اکتفا کردیم». این گرافیست ادامه داد: «متأسفانه در غالب اوقات با پوسترهای تبلیغاتی که بار فرهنگ و هنری ندارند مواجه هستیم و اهالی سینما باید جلوی این نوع تبلیغات را بگیرند. من به عنوان گرافیست با کارگردان خیلی سریع به نتیجه می‌رسم، اما تهیه‌کننده و پخش‌کننده داخلی در نهایت کار را خراب می‌کنند و طرح مورد نظر خودشان را برای پوستر و بیلبورد استفاده می‌کنند. با آمدن تصویر درشت سوپراستارها روی پوستر مخالفتی ندارم، در جای خودش هیچ اشکالی ندارد، در تمام دنیا هم همین‌طور است. این نوع طراحی برای برخی فیلم‌های عوام‌پسند یا پاپ‌کورنی که مخاطبش هم مشخص است و آن مخاطب بابت دیدن همان چهره‌ها به تماشای فیلم می‌آید، انجام می‌شود. اما نباید پوستر تمام فیلم‌ها را برای فروش بیشتر در همین قالب طراحی کرد».

زیر آسمان فیروزه‌ای

پنجمین دوره «جایزه فرشته» برگزیدگان خود را شناخت

● آیین اختتامیه پنجمین دوره «جایزه فرشته» با حضور اهالی فرهنگ و ادب و تقدیر از شرکت‌کنندگان، عصر جمعه سی‌ویکم خردادماه در باغ نگارستان تهران برگزار شد.به گزارش روابط‌عمومی جایزه فرشته، عصر آدینه سی‌ویکم خردادماه مراسم اختتامیه دوره پنجم از «جایزه فرشته» با موضوع «جاده» در محل باغ نگارستان تهران برگزار شد. در این دوره نیز به سیاق سال‌های گذشته، این رقابت در دو بخش عکس و داستان کوتاه برگزار شد و از میان شرکت‌کنندگان در هر دو بخش ۱۰ شرکت‌کننده به عنوان نفرات برگزیده انتخاب شدند.بهشتی در این زمینه بیان کرد: «باعث خوشحالی است که توانسته‌ایم این تعداد از استعدادهای جوان را در کنار استادان هنر و فرهنگ ببینیم. دوره پنجم از «جایزه فرشته» که امروز شاهد آیین اختتامیه آن هستیم، شاید آغاز مسیری باشد که در آینده خواهیم داشت. این موضوع به بین‌المللی‌شدنِ «جایزه فرشته» اشاره دارد که هم رفتار و هم نوع معرفی «جایزه فرشته» به مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حقیقت از این دوره به بعد قرار بر این است که «جایزه فرشته» در استاندارد و کیفیتی بالاتر برگزار شود که معرفی «جایزه فرشته» در کشورهای مختلف از برنامه‌های مورد نظر در این زمینه است. بنا بر سنتی که در دوره چهارم پایه‌گذاری شد، در دوره پنجم نیز قرار بر این است که آثار نفرات برگزیده در قالب کتاب هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی منتشر شود.

نسل جدید ادبیات معاصر می‌خواهد بیاموزد و بیاموزاند

در ادامه، جواد مجابی، به عنوان سخنران ویژه این رویداد، پشت تریبون آمد و مطلبی درباره صد سال داستان‌نویسی در ایران معاصر بیان کرد: «درباره هر رویداد همواره نکات مثبت و منفی وجود دارد که نیازمند تحلیل است. اما امروز من ترجیح می‌دهم گزارشی از صد سال داستان‌نویسی در ایران معاصر را برایتان بخوانم. دو جریان متفاوت در صد سال ادبیات مدرن ایران وجود دارد. فرصتی فراهم شده است در این مجلس از ادبیات مدرن ایران به کوتاهی سخن بگویم. در این صد سال از ۱۳۰۰ خورشیدی به این‌سو ادبیات معاصر ایران دو دوره نسبتا متفاوت را از سر گذرانده است؛ جریان نخست ۶۰ سال پاییده و هنوز هم ادامه دارد و جریان دوم تجربه‌های ۴۰ساله‌اش را از سر می‌گذراند. شروع جنبش هنر و ادبیات جدید ایران بی‌ارتباط با جنبش هنر و ادبیات مدرن جهان خاصه تحولات فرهنگی قرن بیستم نبوده است. جنبش ملی‌گرایی که بین دو جنگ جهانی اتفاق افتاد، در ایران دو جنبه کاملا متفاوت را تجربه کرد؛ از یک‌سو روشن‌فکران و نویسندگان ایرانی برای تثبیت هویت تاریخی‌شان کوشیدند به ریشه‌های تمدن و فرهنگ پیشین خود آگاهی یابند که از طریق بازخوانی اسناد فرهنگی به‌جامانده میسر شد. از سوی دیگر، برای هم‌ترازی جهان مدرن و معاصر به تحولات فرهنگی و اجتماعی تمدن‌های پیش‌روی غربی توجه داشتند. نویسندگان ایرانی به رهبری جمالزاده و هدایت داستان رمان مدرن را با الگوهای جهانی رشد دادند. چند نسل از آنها در آثارشان به موضوع محوری قانون، عدالت و شرایط شهرنشینی حساس بودند».

بزرگداشت ابراهیم فرزامند

بخشی از این مراسم طبق روال سال‌های گذشته به بزرگداشت یکی از چهره‌های فرهنگ و ادب کشور اختصاص داشت. در این دوره نیز با تأکید بر اهمیت کتاب‌فروشی‌ها به عنوان حلقه اتصال کتاب‌خوان‌ها و کتاب، از ابراهیم فرزامند، مدیر کتاب‌فروشی «فرزامند» رشت، قدردانی شد.

گزارش دبیر

در ادامه پژمان موسوی، دبیر جایزه، درباره پنجمین دوره جایزه فرشته گفت: در این دو دوره از «جایزه فرشته» با جوانانی روبه‌رو شدیم که توانسته بودند با کمترین امکانات آثار بسیار مهمی را خلق کنند. بسیاری از آثار برگزیده از میان شرکت‌کنندگان شهرستان‌های مختلف بود؛ جوانانی که نه به کارگاه‌های داستان‌نویسی دسترسی داشتند نه به کلاس‌های عکاسی، اما با وجود این، توانسته بودند آثار بسیار جدی‌ای را خلق کنند. از ابتدای اردیبهشت تا پنجم خردادماه هیئت انتخاب آثار را بررسی کردند و در نهایت هیئت داوران ۱۰ نفر برگزیده را از میان آنها انتخاب کردند. به طور کلی، می‌توان گفت این دوره به اذعان هیئت داوران و هیئت انتخاب آثار کیفیتی به‌مراتب بالاتر و نگاه متفاوت‌تری نسبت به سال‌های پیش داشتند. امید داریم «جایزه فرشته» هر سال به اهدافش نزدیک